

خلاصه ای در مورد منازعه کوچی - باشندگان محل در افغانستان

مقدمه: دیدگاههای سنتی مربوط به درگیری هایی که کوچی ها در آن دخیل اند^۱

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) پروژه ای را که توسط اتحادیه اروپا تمویل گردیده، در ماه دسامبر ۲۰۱۶ راه اندازی کرد: «تلاش تحقیقی سه جانبه در زمینه های اساسی مدیریت منابع طبیعی (NRM)، پالیسی زون غذایی، آب های زیرزمینی و منافع در حال تغییر افراد ذینفع در درگیری میان ساکنان محل و کوچی ها»، که درگیری کوچی ها - باشندگان محل را شامل می شود. این پروژه طی یک دوره سه ساله تکمیل و مراحل مختلف را دربر خواهد گرفت. کار ساحوی این پروژه شامل ۱۶ مورد مطالعات موردی در سراسر افغانستان می شود که از جمله هفت مورد آن شاهد اولین موج کار ساحوی بود که در جریان مرحله اول اجراء گردید. این پروژه همچنین شامل مصاحبه ها با مقامات دولتی، رهبران جامعه و سایر ناظران منازعه در کابل و ولایات است. این گزارش خلاصه، مختصری از یافته های مقدماتی مرحله اول است که از هفت مورد مطالعات موردی استخراج شده است. کار پیگیری نه تنها شامل مطالعات موردی بیشتر و مصاحبه های عمده با ناظران منازعه خواهد بود، بلکه مصاحبه های اضافی در هفت مورد مطالعات موردی خواهد بود که در این گزارش مختصر مقدماتی آمده است.

این پروژه AREU در دسامبر ۲۰۱۶ آغاز شد و شامل مصاحبه ها با رهبران جامعه در هشت مکان مختلف منازعه و همچنین ناظران خارجی و شرکت کنندگان در منازعه است. اولین سلسله مصاحبه ها در اواسط اپریل ۲۰۱۷ تکمیل گردید و هدف این گزارش خلاصه عبارت از تعیین یافته های اولیه این پروژه است.

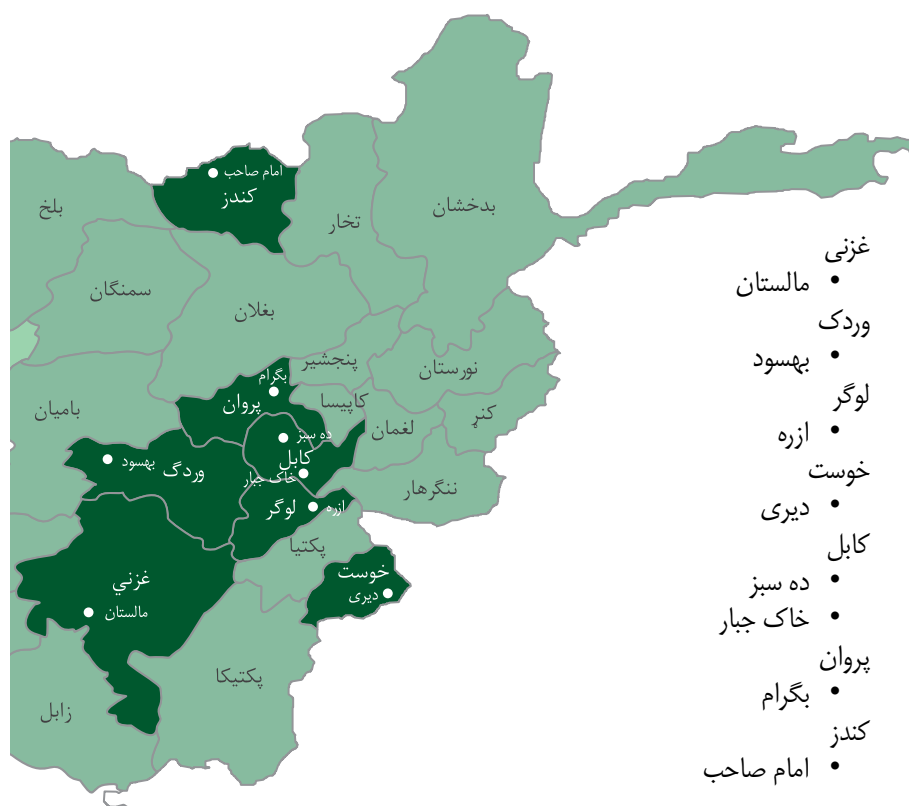
فهرست مطالب

مقدمه: دیدگاههای سنتی مربوط به درگیری هایی که کوچی ها در آن دخیل اند	۱
علفچر و جرئت هزاره ها	۳
مداخله «بی ثمر» دولت: تأثیر چندگانگی اداری	۴
گسترش مناطق مسکونی و زراعتی	۵
تسریع مسکن گزینی کوچی ها	۶
مسکن گزینی خانه بدوشان: منبع جدید مناقشه	۸
تمایز اجتماعی میان کوچی ها	۹
حل منازعه	۱۰
نتیجه گیری	۱۱

در باره نویسنده:

داکتر انتونیو گیوستوزی به طور گسترده ای در مورد افغانستان تحقیق متعدد نموده و آنها را به نشر رسانده است. نشریات انجام شده وی برای واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان عبارت اند از: "سی سال منازعه (۲۰۱۲)"، "انحصار انعطاف پذیر: اقتصاد سیاسی در شمال افغانستان ۲۰۰۱ و پس از آن" (۲۰۱۲)، "ارتش ملی افغانستان: چالش های پایدار فراتر از جنبه های مالی" (۲۰۱۴)، "افراطیت مکاتب افغانستان" (۲۰۱۵)، "دستیابی به نقطه غلیان: فعالیت مکاتب در افغانستان" (۲۰۱۵)، "ارتش ملی افغانستان پس از آیساف" (۲۰۱۶).

۱ در تمام این نوشته، اصطلاح «خانه بدوش» برای تمام انواع خانه بدوشان به کار رفته است، در حالی که اصطلاح «کوچی» تنها برای خانه بدوشان پشتون مورد استفاده قرار گرفته است.



شکل ۱

هزاره ها در مقابل کوچی ها	مالستان (غزنی)
هزاره ها در مقابل کوچی ها	بهسود (وردک)
پشتون ها در مقابل کوچی ها	ازره (لوگر)
پشتون ها در مقابل کوچی ها	دیری (ولسوالی متون، خوست)
تاجک ها در مقابل کوچی ها	ده سبز (کابل)
تاجک ها در مقابل کوچی ها	بگرام (پروان)
تاجک ها و پشتون ها در مقابل کوچی ها	خاک جبار (کابل)
کوچی ها ازبیک در مقابل باشندگان محل پشتون	امام صاحب (کندز)

این محدوده مطالعات موردی تمام انواع درگیری های کوچی ها / ساکنان محل را در افغانستان در بر نمی گیرد. به طور مثال، گزارش هایی از درگیری بین پشه یی ها و پشتون ها وجود دارد.^۲ با این حال، به طور کلی هشت مورد مطالعه، نماینده اکثریت بزرگی از درگیری های خانه بدوشان- ساکنان محل است، اما دربر گیرنده تمام آنها نیست زیرا آنها در بسیاری از مناطق افغانستان که کوچی ها به آنجا مهاجرت می کنند، پراکنده اند.

در مجموع ۴۰ مصاحبه در هفت مکان انجام شد (شکل ۱ را ببینید) که در آن در یکی از این مناطق بین کوچی ها و داکتر انتونیو گیوستوزی درگیری صورت گرفته است. تعداد مساوی کوچی ها و داکتر انتونیو گیوستوزی مورد مصاحبه قرار گرفتند. هفت مصاحبه اضافی در کابل با افرادی صورت گرفت که در وزارتخانه ها یا با کمیسیون کوچی ها مشغول به کار بودند و در مورد مناقشه بین کوچی ها - باشندگان محل معلومات داشتند. درگیری میان کوچی ها و داکتر انتونیو گیوستوزی مسئله تازه در افغانستان نیست و نه هم چیزی که قبلاً توجه علمی را جلب نکرده باشد. با این حال، در مطالعات قبلی تمرکز توجه بر مناقشه میان هزاره ها و کوچی های پشتون بود که این منازعه بیشترین توجه رسانه ها (در واقع، تقریباً همه) را به خود جلب کرد. به علت توجه و تاریخ گذشته اختلافات سیاسی و قومی میان این دو جوامع در مراحل مختلف مورد حمایت دولت و/ یا گروه های سیاسی قرار گرفته است و این تفکیک منابع اجتماعی، زراعتی، اقتصادی و دموگرافیکی جنگ هزاره/ کوچی را دشوار می سازد. مطالعات موردی درگیری هزاره / کوچی در این مطالعه گنجانیده شده است، زیرا اینها بخش مهمی از درگیری وسیعتر خانه بدوشان- ساکنان محل را نشان می دهد، اما مطالعات موردی متعدد در مورد درگیری بین کوچی ها و جوامع دیگر نیز شامل این گزارش گردیده است:

علفچر و جرت هزاره ها

مسدود کردن راه های مهاجرت در دروازه های هزاره جات توسط منتقدان به عنوان مدرک مداخله سیاسی پنداشته می شود، اما در عوض باشندگان محل محلی توضیح می دهند که فشار بر علفچر دقیقاً درین مناطق بالاتر است:^۶

در سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹/۲۰۱۰) بود که کوچی ها برای اولین بار در دوره کززی مجدداً سعی کردند که با هزاران مواشی به ولایت های مرکزی افغانستان بیایند. برای ما بسیار سخت بود، زیرا هزاران مواشی از زمین های زراعتی ما عبور می کردند. جنگ در قریه دهان بارک منطقه کجاب مربوط به حصه دوم ولسوالی بهسود شروع شد. هنگامی که کوچیها با هزاران مواشی از قریه دهان بارک از بالای زمین های زراعتی عبور می کردند و می خواستند تا سفر خود را به ولایت بامیان ادامه دهند، آنان توسط یک دهقان متوقف شدند که نمی خواست آنان از بالای زمین او عبور کنند، اما آنان بر او فیر کردند و او را کشتند. سپس جنگ بین مردم هزاره و کوچی ها آغاز شد. [...] زیرا ولایت وردک دروازه کوچی ها برای ورود به ولایت های بامیان و غور است، اما آنان با هزاران مواشی از بالای زمین های ما عبور می کنند و کشت های ما را از بین می برند.^۷

تقاضای هزاره ها مبنی بر انتقال مواشی کوچی ها توسط لاری بسیار واقعینانه نیست، زیرا تعداد اندکی از کوچی ها قادر خواهند بود تا به این منظور لاری ها را به کرایه بگیرند.^۸

بنابراین در حال حاضر، درگیری محدود به چند مسیری شده است که راه مهاجرت کوچی ها را برای دسترسی به چراگاه های هزاره جات می بندد. این مسیرها توسط شبه نظامیان محلی هزاره کنترل می شود. این که این شبه نظامیان توسط سیاستمداران و متنفذین هزاره پشتیبانی می شوند یا خیر، اما اگر این موانع برداشته شوند، درگیری در مناطق کوهستانی گسترش خواهد یافت. برای مثال، از زمانی که این موانع ساخته شده است، مصاحبه شوندگان در مالستان برگشت دوباره کوچی ها را ندیده اند، اما آمادگی خود را برای جنگ در صورت آمدن کوچی ها اعلام کردند.^۹

در حالی که بسیاری از کوچی ها آسیب رساندن به محصولات زراعتی و چراگاه ها در نزدیکی روستاها را رد می کنند،^{۱۰} برخی از بزرگان کوچی به طور ضمنی در هنگام درخواست مداخله دولت برای جلوگیری از سوء استفاده هر دو طرف، اذعان می دارند:

بهترین منبع مورد مطالعه درگیری خانه بدوش- زارع در افغانستان عبارت از کشمکش بر سر دسترسی کوچی ها به علفچرها در کوه های هندوکش است که کشاورزان هزاره در آنجا زندگی می کنند. این درگیری، منشاء عمیق تاریخی دارد که دولت در حال تشکیل افغانستان در اواخر قرن نوزدهم از کوچی ها برای تحت انقیاد درآوردن هزاره ها استفاده کرد.^۳ یافته های اولیه این تحقیق جدید که توسط این پروژه انجام شده، نشان می دهد که این درگیری تغییر چندانی نکرده است. بسیاری از مصاحبه شوندگان بر این باور بودند که منبع مناقشه بین کوچی ها و کشاورزان یک مسئله سیاسی است: احزاب سیاسی و گروه ها از موکلین خود حمایت می کنند و حتی آنان را تشویق می کنند تا در مسائلی مربوط به زمین و دسترسی به آن جوامع دیگر را به چالش بکشند. یکی از مقامات رسمی وزارت زراعت، آبیاری و مالداری می گوید:

این منازعه بیشتر یک منازعه سیاسی است تا مشکل علفچر. این مشکل توسط قانون زمین در مورد استفاده از علفچرها حل نخواهد شد. کمیسیون رسیدگی به این منازعات حتی یک بار هم به ما مراجعه نکرد و در مورد قانون علفچرها نپرسید. این یک مسئله سیاسی است، مقامات بسیار بالا و حتی کشورهای خارجی در این مناقشه دخالت می کنند.^۴

مقامات و مصاحبه شونده های دیگر در کابل به طور خودکار توجه خود را به درگیری هزاره ها- کوچی ها متمرکز کردند و ادعا می کردند که هزاره ها با انگیزه ای برای انتقام، راه های مهاجرت کوچی ها در نزدیکی کوه های مرکزی در دایمیرداد، حصه اول و مناطق دیگر را مسدود می کردند. بدون شک، تا زمانی که مقامات بر قانون سال ۱۹۷۱ مبنی بر مسدود کردن مسیرهای دسترسی به مراتع افغانستان مرکزی متکی هستند، جوامع هزاره به کوچی ها اجازه نخواهند داد تا اکثر چراگاه ها را مورد استفاده قرار دهند.

تا جایی که من می دانم، کوچی ها علفچرهای ولایت مرکزی افغانستان را مورد استفاده قرار نمی دهند، زیرا افراد مسلح هزاره دروازه های ورودی ولایت های مرکزی مانند بامیان، دایکندی و غور را مسدود کرده اند. مردم هزاره همه به ولسوالی های دایمیرداد و حصه اول ولایت وردک آمدند که دروازه های اصلی ولایت های هزاره نشین است و به کوچی ها اجازه نمی دهند که به جلو حرکت کنند. به همین دلیل است که هر سال در ولسوالی های دایمیرداد و حصه اول درگیری رخ می دهد.^۵

۶ مصاحبه با دهقان و بزرگ قومی در منطقه کجاب، حصه ۲ ولسوالی بهسود، قریه گنداب، فبروری ۲۰۱۷.
۷ مصاحبه با دهقان و بزرگ محل از قریه لته بند منطقه کجاب در ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷.
۸ مصاحبه با دهقان و بزرگ محل از قریه کار وانی مربوط منطقه سرچشمه، ولسوالی دایمیرداد، ۱۵ فبروری ۲۰۱۷.
۹ با سه دهقان هزاره در مالستان مصاحبه صورت گرفت که همه نظرات مشابه داشتند.
۱۰ مصاحبه با بزرگ کوچی از قبیله خاروخیل در ولایت میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶.

۳ سید عسکر موسوی، هزاره های افغانستان، لندن: کزن، ۱۹۹۸؛ حسن کاکر، تاریخ سیاسی و دیپلماتیک افغانستان ۱۸۶۳-۱۹۰۱، لیدن: بریل، ۲۰۱۲.
۴ مصاحبه با عضو اداره علفچر مربوط به وزارت زراعت، ۲ جنوری ۲۰۱۷.
۵ مصاحبه با عضو اداره علفچر مربوط به وزارت زراعت.

مداخله «بی ثمر» دولت: تأثیر چند گانگی اداری

در نهایت، درگیری میان کوچی ها و ساکنان محل بالاتر از نتیجه حق مالکیت و حقوق استفاده که به شکل ضعیف و یا به بطور غیرمستقیم اجرا می شود و آن طوری که ویلی به عنوان «وضعیت مبهم» مراتع توصیف می کند، مورد بحث قرار می گیرد.^{۱۳} بدین ترتیب، علفچرهای محلی برخی اوقات از سوی کوچی ها و باشندگان محل منجیت مالکیت «خودشان» (خلاف تمایل دولت) نگریسته می شود و آنان به شکل غیرقانونی در نقاط مختلف مسکن گزین می شوند و باعث آغاز درگیری می گردند. این یک امر معمولی است که در یک منازعه دو طرف دخیل باشد و هر دو استدلال کنند که از لحاظ قانونی صاحب زمین اند. همچنین درین رابطه مشکل فروش غیرقانونی زمین توسط مقامات دولتی وجود دارد، اما نکته قابل توجه این است که برخی از این اختلافات ممکن تا سال ها طول بکشد، بدون اینکه مالک قانونی زمین شناسایی شود.^{۱۴}

در میان هزاره ها حداقل وضعیتی به میان آمده است که خواستار (تا حدی تناقض گونه) بازگشت به قانون طالبان در سال ۲۰۰۰ است که مراتع خصوصی را شناسایی و تعریف می کند.

در رابطه با علفچر، مردم ما موافقت نمیکنند تا علفچرهای خود را به کوچی ها واگذار کنند. آنان می گویند که علفچرها محدود و یا حریم روستاهای آنان بوده و متعلق به دولت نیستند که آنها را به کسی بدهند. بر طبق قانون جعفری و قانون حنفی، هر روستا مرزها یا حریم خود را دارد و این مرزها یا حریم عبارت از علفچرها است. محدود و یا حریم روستاها متعلق به روستاییان است نه دولت که آنها را به قبایلی بدهد که از انتهای دیگر افغانستان می آیند.^{۱۵}

در حقیقت، جوامع (به شمول هزاره ها) حتی پس از سال ۲۰۰۱ برخی اوقات بر میانجیگری طالبان برای دستیابی به توافق نامه ها متکی بوده اند که هرچند این کار ظاهراً خیلی موفق نبوده است:

مصطفی قومندان طالبان به تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۱۵، یک توافق را میان هزاره ها و ما طی کرد. باز هم سه ماه بعد هزاره ها آمدند و به خانواده ها و حیوانات ما حمله کردند. آنان حتی به این توافقنامه وفا نکردند.^{۱۶}

دولت افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ برخی اوقات ایده تمایز میان چراگاه های خصوصی، محلی و عمومی را به بازی گرفته است. به عنوان مثال، در پیش نویس قانون جدید علفچر ۲۰۰۸-۲۰۰۹، دسترسی کوچی ها محدود به علفچرهای عمومی گفته شده است. اما در پیش نویس ۲۰۱۱-۱۲، کتگوری علفچرهای محلی حذف شد و علفچرهای عمومی به منصفه اجرا گذاشته شد که به طور مشترک توسط باشندگان

دولت باید از این قومندانان و هزاره ها و همچنین از ما اسلحه را جمع آوری کند و به آنان بگوید که به کوچی ها اجازه دهند که در کوه ها باشند و همچنین به کوچی ها بگوید که در زمین های هزاره ها داخل نشوند، اما متأسفانه دولت و هزاره ها نمی خواهند این مشکل حل شود.^{۱۱}

یکی دیگر از راه های کمتر وابسته به دولت، راه های جایگزین برای اداره کردن منافع متضاد، تقسیم اوقات ورود کوچی ها به گونه ای خواهد بود که به دهاقین در مسیر راه آنان فرصت داده شود تا علوفه و محصول خود را بردارند، طوری که بعضاً ادعا می شود که این کار قبل از وقوع جنگ صورت گرفته است:

تقسیم اوقات برای ولسوالی ما طوری بود که کوچی ها هر سال در پایان ماه اپریل می آمدند، آنان باید در ابتدا منتظر می ماندند تا دهاقین هزاره در هر ولسوالی علوفه خود را از تپه ها و کوه ها جمعآوری و برای زمستان ذخیره کنند. سپس کوچیها می توانستند با مواشی خود بیایند و مواشی خود را در آن کوه ها و تپه ها بچرانند. پلان طوری بود که کوچی ها در ابتدا به ولسوالی بهسود بیایند و ۱۰ یا ۱۵ روز در بهسود بمانند و از متباقی علفچر در کوه ها تا زمانی استفاده کنند که دهاقین در ولسوالی ناور حاصلات خود را برداشته و علوفه را برای زمستان ذخیره کرده باشند. بعداً به کوچی ها اجازه دهند که به ولسوالی ناور داخل شوند و برای ۱۰ یا ۱۵ روز در آنجا بمانند و از علفچر باقی مانده در تپه ها و کوه ها استفاده کنند تا زمانی که دهاقین مالستان حاصلات خود را بردارند و علوفه را جمعآوری کنند و به کوچی ها اجازه دهند که مواشی خود را به آنجا ببرند.^{۱۲}

حتی اگر چنین تقسیم اوقاتی بتواند در سطح جامعه مورد توافق قرار گیرد، با این حال تطبیق آن به نقش دولت نیاز خواهد داشت. این تقسیم اوقات قبل از جنگ زمانی که دولت افغانستان نسبت به اکنون از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردار بود، به ندرت مورد احترام قرار داشت. بنابراین، در واقع چنین تقسیم اوقاتی تنها زمانی می تواند در شرایط پس از جنگ عملی شود که دولت افغانستان از قدرت مستحکم برخوردار باشد.

۱۳ لژ الدین ویلی، «جنگ بر سر علفچرها: جنگ مخفی در افغانستان»، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée، ۱۳۲، جون ۲۰۱۳.
 ۱۴ مصاحبه با بزرگ قوم ادمزی در قریه اوبازک، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶.
 ۱۵ مصاحبه با عضو کمیسیون حل منازعات بین کوچی ها و هزاره ها، ۱ دسامبر ۲۰۱۶.
 ۱۶ مصاحبه با بزرگ کوچی ها، ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶.

۱۱ مصاحبه با بزرگ کوچی از قبیله خاروخیل در ولایت میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶.
 ۱۲ مصاحبه با بزرگ هزاره مربوط قریه بخار در ولسوالی مالستان، ۱۴ مارچ ۲۰۱۷.

گسترش مناطق مسکونی و زراعتی

منازعه میان کوچی ها و باشندگان محل نه تنها جوامع دهقانی هزاره ها بلکه تاجک ها و پشتون را نیز متأثر می سازد. همچنین در این موارد، دخالت احزاب سیاسی و سیاستمداران گزارش شده است. مصاحبه گران تمایل دارند چنین دخالتی را زمانی که به نفع اجتماع مخالف باشد، منفی توصیف کنند، اما به نظر می رسد که این کار یک توسعه طبیعی در کشوری است که در سال ۲۰۰۱ به سیاست رقابتی راه باز کرد. نقش واقعی سیاستمداران و قدرتمندان هرچه باشد، دلایل واضح عمیق وجود دارد که سبب افزایش اختلافات در رابطه با علفچر می شود. گسترش شهرک ها و محلات شهرنشین در بعضی موارد باعث افزایش ارزش علفچرهای گردیده است که قبلاً توسط کوچی ها مورد استفاده قرار می گرفت و این باعث گردیده است که روستاییان محلی، عودت کنندگان از پاکستان و قدرتمندان در تلاش به دست آوردن کنترل بر این علفچرها به مقصد ساخت و ساز بر آنها و یا فروش آنها باشند. مناطقی که در مجاورت شهرهای بزرگ قرار دارند، ناگزیر به میزان بیشتری متأثر گردیده اند، مانند ده سبز:

در ۱۵ سال گذشته تغییرات زیادی صورت گرفته است. به طور مثال، قبلاً جمعیت ما کمتر بود و همچنان در ولایت های دیگر نیز جنگ نبود، بنابراین مناطق آزاد برای کوچی ها وجود داشت تا گله های خود را برای چراندن بیاورند. اما اکنون نفوس زیاد شده و بسیاری مردم نیز از ولایت های دیگر به دلیل جنگ در این کشور به کابل آمدند. بنابراین این مراتع نیز به شهرها و خانه ها تبدیل می شوند و اکنون کوچی ها هم می خواهند برای خود مکان های زندگی را پیدا کنند و ارزش زمین را می دانند. به همین دلیل است که رابطه بین کوچی ها و باشندگان محل و ساکنین در همه جا بدتر می شود.^{۲۳}

همین امر در مورد خاک جبار (ولایت کابل) نیز صادق است:

در ۱۵ سال گذشته تغییرات بزرگی در قریه ما صورت گرفت. بازسازی صورت گرفت، نفوس ما افزایش یافت و ارتباطات جاده ای از شهر کابل به قریه ما بازسازی شد. بلی، این تغییرات روابط ما را با کوچی ها تحت تاثیر قرار داد. قبل از این ما از دشت چارباژی استفاده نمی کردیم، اما حالا باید از آن استفاده کنیم، بنابراین این دلیل مناقشه میان کوچی ها و اجتماع ما است.^{۲۴}

رشد جمعیت و در دسترس بودن منابع بیشتر برای آوردن زمین خشک به بهره برداری، جوامع روستایی را به سمت تلاش برای ممانعت دسترسی کوچی ها به علفچرها کشاند، جایی که آنها می خواستند خانه های جدید بسازند و بمبه های آب را نصب نمایند:

محل و کوچی ها اداره شود. این پیشرفت در نتیجه لابی گری کوچی ها با مقامات صورت گرفت.^{۱۷}

گفتگو در مورد طرفداران مدیریت دولتی و مدیریت جامعه در علفچرها به نوعی، یک بحث نادرست است.^{۱۸} قوانین مختلف تصویب شده توسط دولت افغانستان اغلباً توسط مقامات محلی و جوامع قبل از جنگ قبلاً نادیده گرفته می شد. این نه تنها شیوه های معمول در مقابله با قوانین ملی بود، بلکه غیر معمول نبود که توافق ها و امتیازات توسط مقامات محلی ثبت شود که به وضوح با قوانین ملی اختلاف داشت. این چندگانگی اداری بعد از سال ۲۰۰۱ خیلی بدتر شد. وضعیت علفچر و مراتع پس از سال ۲۰۰۱ به شکل بسیار ضعیف تعریف شده است. قوانین دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ علفچر و «مالکیت عامه» را تعریف کرده است. زمین علفچر تنها در قوانین اساسی ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ «زمین دولتی» تعریف شد که هر دو از آن زمان نادیده گرفته شد. طالبان در قانون خود (سال ۲۰۰۰) در مورد علفچر و زمین های عامه دو نوع مختلف زمین علفچر را به رسمیت شناختند: عمومی و خصوصی، که دوم آن برای استفاده منحصراً به فرد جوامع مجاور بود. زمین های علفچر خصوصی به عنوان «منطقه ای که از آنجا صدای بلند کسی که در لبه روستا ایستاده است، هنوز قابل شنیدن باشد» تعریف گردید.^{۱۹} دولت مرکزی بعد از سال ۲۰۰۱ از یک طرف قوانینی را تصویب کرد که به نفع کوچی ها بر روی کاغذ بود و از آن برای تأمین حمایت سیاسی آنان کار می گرفت. از سوی دیگر این قانون به حقوق کوچی ها و باشندگان محل اجازه می داد که از آن تخطی کنند و مراتع را تصرف کنند. این معتبر به نظر نمی رسد که این الگوی سازگار به طور تصادفی رخ داده باشد.^{۲۰}

حتا زمانی که دولت برای شناسایی مناطق مسکونی از قبیل منطقه باریکاب در ده سبز برای کوچی ها دخالت نمود، در واقع قادر به اجرای تصمیم خود نبود.^{۲۱} به نظر می رسد که مقامات دولتی در وزارت زراعت، آبیاری و مالدارانی قانون علفچر مربوط به سال ۱۹۷۱ را به عنوان پایه ای برای عملیات خود در نظر می گیرند. به گفته یکی از مقامات، در تمام قانون «زمین های علفچر، علفچرها متعلق به دولت هستند و هر شهروند افغان که گوسفند داشته باشد، می تواند از علفچر استفاده کند.»^{۲۲}

یکی دیگر از ابعاد ناکارایی دولت، عدم فراهم نمودن خدمات برای کوچی ها و برخی جوامع دهقانی درگیر با آنان در مقایسه با خدماتی است که متباقی مردم دریافت می کنند. این مسئله ای است که شاید مربوط به ساختن منشور جدید شهروندان باشد.

۱۷ لز الدین ویلی، «جنگ بر سر علفچرها: جنگ مخفی در افغانستان»، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée، ۱۳۳، جون ۲۰۱۳.

۱۸ J. David Stanfield et al، «مدیریت علفچر در شرایط (بعد از) درگیری: مورد افغانستان، نوآوری در شناسایی حقوق زمین، مدیریت و حکومتداری، تصحیح توسط کلاس دی انگریزات ال، بانک جهانی، ۲۰۱۰.

۱۹ کونور فولی، رهنمایی قانون مالکیت در افغانستان، ان آر سی / یو ان اچ سی آر، ۲۰۰۵.

۲۰ لز الدین ویلی، «جنگ بر سر علفچرها: جنگ مخفی در افغانستان»، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée، ۱۳۳، جون ۲۰۱۳.

۲۱ مصاحبه با بزرگ کوچی ها از قوم تره خیل در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

۲۲ مصاحبه با کارمند ریاست علفچر مربوط وزارت زراعت.

۲۳ مصاحبه با بزرگ قوم و دهقان در ده سبز ولایت کابل، ۱ جنوری ۲۰۱۷.

۲۴ مصاحبه با بزرگ قوم و دهقان در قریه ملنگ، ۲۸ فروری ۲۰۱۷.

تسریع مسکن‌گزینی کوچی‌ها

دولت افغانستان بین دو رویکرد اصلی در مقابل پدیده‌خانه بدوشی از یک قطب به قطب دیگر غلطیده است. مدرنیست‌ها تمایل دارند که زندگی خانه بدوشی را به عنوان پدیده ناپهنگام ببینند و برای مسکن‌گزینی کوچی‌ها منحیث یگانه راه حل طولانی مدت این مشکل استدلال کرده اند.^{۲۶} مسکن‌گزینی همچنان منجر به کنترل بیشتر دولت بر جمعیت، کاهش قاچاق و گسترش مالیات خواهد شد. با این حال، دیگران به کوچی‌ها و به ویژه به کوچی‌های پشتون، متحدین مفیدی از نخبگان حاکم برای گسترش قدرت یک دولت مرکزی ضعیف به سوی ولایات نگریده اند. از آنجایی که دولت افغانستان در بیش از نیم قرن تقریباً هیچ گونه مالیاتی از جمعیت روستایی نداشته است، به نظر می‌رسد که نگرانی در مورد توانایی کوچی‌ها برای فرار از پرداخت مالیات کاملاً به جا است.

صرفنظر از وسواس سیاستمداران و رهبران افغان به دلیل تغییرات اجتماعی، اقتصادی، محیطی و دموگرافیکی، فرآیند مسکن‌گزینی کوچی‌ها به مرور زمان ادامه دارد. در حقیقت با توجه به تعدادی از عوامل، مسکن‌گزینی و خانه بدوشی در طول قرن‌ها در افغانستان ادامه داشته است. پس از سال ۲۰۰۱، هیچ نمونه‌ای از رفتن به سوی خانه بدوشی گزارش نشده است، اما مسکن‌گزینی به طور مشخص در مقیاس قابل توجهی رخ داده است. این کار تا یک اندازه شاید نتیجه شرایط اقتصادی، سیاسی و محیطی باشد. رشد دموگرافیکی، کاهش دامنه‌های علفچر و دسترسی محدود به آنها بدون شک مهمترین عوامل هستند. هنگامی که زراعت مکانیزه شروع به گسترش کرد، و در نتیجه کشت خشخاش و شهرنشینی توسعه یافت، مناطق بیشتر برای کشت مورد استفاده قرار گرفت. در حقیقت، دولت افغانستان پروسه انباشت سریع و بی‌رحمانه توسط نخبگان را به بهای فقیرترین بخش جمعیت روستایی، به شمول کوچی‌ها پذیرفت و تایید کرد. در واقع، به نظر می‌رسد که کوچی‌های ساکن نسبت به کوچی‌های دوره گرد فقیرتر اند و بسیاری از کوچی‌های ساکن به کارگران روزمزد تبدیل می‌شوند. کوچی‌های ساکن نسبت به کوچی‌های دوره گرد کمتر در کار تجارت دخیل اند.^{۲۷}

با این وجود تأثیر این عوامل در کشاندن کوچی‌ها به مسکن‌گزینی نباید فراموش شود. در برخی موارد، این همچنان نتیجه آموختن مهارت‌های جدید و کشف فرصت‌های نو در نتیجه بیجا شدن به دلیل سال‌های طولانی مدت جنگ است.

خانه بدوشانی که در شهرها سکونت دارند، آنان هم به ما می‌گویند که زندگی خانه بدوشی را متوقف کنیم و به شهرها بیاییم. زیرا مشکلات زیادی در زندگی این کوچی‌ها وجود دارد.^{۲۸}

ما به کوچی‌ها اجازه نمی‌دهیم، خواه به خاطر چراندن بیابند و یا خانه بسازند، زیرا ما می‌خواهیم این زمین را برای کشت آماده سازیم. ما می‌خواهیم در این دشت‌ها بمب‌های آب نصب کنیم و این کارها را در اینجا افزایش دهیم زیرا تعداد مردم ما روز به روز در حال ازدیاد است. ما همچنین می‌خواهیم در این مناطق خانه‌ها را بسازیم. [۰۰۰] برای این مناطق ضروری نیست که همیشه محل کوچی‌ها باشد و از آن برای علفچرها استفاده کنند و در آن خانه بسازند.^{۲۵}

این یک نوع درگیری بر سر کاهش منابعی است که در میان جمعیتی در حال افزایش تقسیم می‌شود، که این کار حتی اگر جوامع توانایی تصمیم‌گیری در میان خود در مورد نحوه بهره‌برداری از علفچرها را نیز داشته باشند، اجتناب از آن دشوار است.

۲۶ هرمن کریوتزمن و ستیفن شوت، «مشترکات جدل آمیز - ناامنی‌های چندگانه باغبانان در شمالشرق افغانستان»، اردکندی، جلد ۶۵، شماره ۲، ۱۹۹۰-۱۹۹۱، ۲۰۱۱.

۲۷ «تحقیق در مورد نفوس کوچی‌ها در منطقه کابل جدید»، کابل: سامویل هال، ۲۰۱۲، جدول ۳.۱.

۲۸ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم بابکرخیل، ده سبز ولایت کابل، ۲۸ جنوری ۲۰۱۷.

۲۵ مصاحبه با بزرگ کوچی‌ها، قوم ادمزی، قریه اوبازک، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶.

جدول ۱: مسکن‌گزینی کوچی‌ها طبق گفته‌های بزرگان قومی بر اساس قوم^{۳۴}

قوم	فیصدی تخمینی مسکن‌گزینی تا ۲۰۱۷
ناصر	۳۰
کروخیل	۵۵
احمدزی	۳۰
سلیمانخیل	۴۵
ملاخیل	۵-۲۰
نیازی	۶۵-۷۰
سلطان خیل	۸۰
بابر	۵۵
اکبرخیل	۲۰-۲۵
موسی خیل	۶۰
تغر	۴۰
بابکر	۴۰
تره خیل	۸۰

بعضی کوچی‌ها نیز توانسته‌اند سرمایه قابل توجهی را جمع‌آوری کنند که بعداً آنها را به ملکیت‌ها و تجارت‌ها تبدیل کرده‌اند. در موارد دیگر، مهاجرت به خلیج فارس بود که به بعضی از آنان اجازه داد تا پول پیدا کنند و حداقل بخشی از آن را دوباره در افغانستان سرمایه‌گذاری کنند.^{۲۹} در سروی ساموئل‌هال در میان کوچی‌ها در منطقه کابل، ۴۵ درصد از آنان گفتند که از زندگی خانه‌بدوشی خسته شده و در جستجوی مسکن هستند که یکی از دلایل عمده آن خطر (احتمالاً به دلیل وضعیت جنگی کشور) و دلایل اقتصادی است. ۲۲٫۹ درصد دیگر مصاحبه‌شوندگان سروی مسائل دسترسی به علفچرها را عنوان کردند.^{۳۰} همانطوری که یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت:

آنها زندگی خانه‌بدوشی را ترک کردند و در شهرهای لوگر، ننگرهار، بلخ، قندهار و ولایت‌های دیگر ملکیت‌ها را خریدند. ما به شما گفتیم که زندگی خانه‌بدوشی برای کوچی‌ها دشوار شده است و مشکلات فراوانی وجود دارد، بنابراین آنان زندگی شهری را انتخاب می‌کنند. کوچی‌ها هم می‌خواهند که در شهرها زندگی کنند، اگر دولت امکانات را برای آنان فراهم کند، مانند دادن ملکیت و زمین به آنان برای ساختن خانه‌ها بر آن و ایجاد اشتغال و غیره.^{۳۱}

تحقیق ساموئل‌هال نشان داد که پس از سال ۲۰۰۱ روند مسکن‌گزینی در میان کوچی‌ها و ولایت کابل به طور چشمگیری افزایش یافت. از میان مصاحبه‌شوندگان، تنها ۰٫۷ درصد آنان در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰ و فقط ۲٫۱ درصد در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ مسکن‌گزین شده بودند. اولین تسریع جدی در دهه ۱۹۹۰ رخ داد: ۱۱٫۴ درصد در طی این دهه مسکن‌گزین شدند. با این حال، تسریع واقعی از سال ۲۰۰۱ به بعد بود: ۴۴٫۳ درصد در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۶ و ۴۱٫۴ درصد در سال‌های ۲۰۰۷-۱۱ مسکن‌گزین شدند.^{۳۲} سروی سال ۲۰۰۵ نشان داد که ۱۵ درصد کوچی‌ها به طور دائم مسکن‌گزین شده‌اند.^{۳۳} مصاحبه‌شوندگان در حال انجام پروژه AREU تأیید کرده‌اند که روند مسکن‌گزینی به سرعت پیش‌رفته است (جدول ۱ را ببینید).

^{۳۴} مصاحبه با بزرگ قوم ناصر، منطقه سرچشمه بین جلریز و ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم خاروخیل، ولایت میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با بزرگ کوچی در بهسود اول ولایت میدان وردک، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم سلیمانخیل، ۲۷ مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم ملاخیل، ۹ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم ملاخیل، ۸ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم مرک خیل، دیری ولایت خوست، ۷ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم سلطانخیل در ولایت لوگر، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم بابر در ولسوالی ازره لوگر، ۲۸ جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم اکبرخیل، ۲۰ مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی، کوچی آباد بت خاک، کابل، ۹ مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم تره کوچی در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۸ جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم بابکرخیل، در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۲۸ جنوری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم تره خیل در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

^{۲۹} مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم نیازی، دیری ولایت خوست، ۸ اپریل ۲۰۱۷.
^{۳۰} «تحقیق در مورد نفوس کوچی‌ها در منطقه کابل جدید»، کابل: ساموئل‌هال، ۲۰۱۲، جدول ۳٫۱.
^{۳۱} مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم خاروخیل، ولایت میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶.
^{۳۲} «تحقیق در مورد نفوس کوچی‌ها در منطقه کابل جدید»، کابل: ساموئل‌هال، ۲۰۱۲، جدول ۳٫۱.
^{۳۳} فراک دو ویر، «ارزیابی ملی چندین سکوتوری در مورد کوچی‌ها»، می ۲۰۰۵.

مسکن گزینی خانه بدوشان: منبع جدید مناقشه

مسکن گزینی کوچی ها ممکن یک منبع مناقشه را به پایان برساند، اما همزمان درگیری های جدیدی را آغاز می کند، زیرا کوچی ها باید در جایی مسکن گزین شوند. در نبود یک برنامه دولتی برای مسکن گزینی کوچی ها در مناطق خاص، آنان یا در شهرها جابجا می شوند و یا قطعه زمینی را که پیدا کرده اند، به چنگ می آورند. تعداد محدود کوچی ها دارای منابع برای خرید زمین هستند، بنابراین یکی از گزینه هایی که در اختیار آنهاست، تا جایی که می توانند اشغال زمین های علفچر است. مصاحبه شوندهگان و باشندگان محل هر دو تایید می کنند که این کار رخ می دهد، مثلاً:

قبل از این کوچی ها زندگی خانه بدوشی داشتند و از یک مکان به مکان دیگر می رفتند. آنان این نوع زندگی را متوقف کردند. آنان تمام زمین های افغانستان را اگر در شمال، جنوب، شرق یا غرب باشد، تصرف می کنند. اکنون آنان میخواهند مسکن گزین شوند. بنابراین آنان به زمین نیاز دارند و زمین را اشغال می کنند.^{۳۵}

قبل از این ما به ولایات شمالی می رفتیم، اما اکنون آنان ما را از رفتن به آن مناطق و آن علفچرها که ما خانه هایمان را در آنجا ساخته ایم، مانع می شوند. این افراد به ما اجازه نمی دهند. سپس آنان بولدوزرها را آوردند و خانه هایمان را تخریب کردند. در یکی از خانه ها دو کودک نیز کشته شدند. جنگ های زیادی بین این تاجک ها و تره خیل های ما رخ داد.^{۳۶}

در نتیجه رقابت بر سر بهره برداری از زمین های علفچر، جوامعی که قبل از این هیچگاه مانع دسترسی کوچی ها به این علفچرها نمی شدند، اکنون مخالف آنان شده اند:

قبل از این کوچی ها برای مدت کوتاهی می آمدند و سپس بر می گشتند. آنان نمیخواستند زمین ما را تصرف کنند. هیچ درگیری رخ نمی داد، اما اکنون کوچی ها اینجا می آیند و زمین ما را می گیرند. آنان بر آن خانه می سازند.^{۳۷}

کوچی ها احساس تبعیض می کنند، زیرا گذراندن زندگی خانه بدوشی مشکل شده است، آنان هیچ گزینه ای برای اقامت راحت در هیچ جایی ندارند، جز کار ارزان در شهرها:

ما می خواهیم خانه های خود را در ده یحیی، باریکاب، باختریان، قادرخیل، بندی خانه، قلعه زرن، بابا خشرا و عزیز هوتک بنا کنیم. بلی، در برخی مناطق مشکلات وجود دارد، اما در برخی از مناطق هیچ مشکلی وجود ندارد. بعضی ها فکر می کنند که «کوچی ها از افغانستان هستند، آنان را بگذارید»، اما بعضی ها فکر می کنند «آنان حق ندارند اینجا زندگی کنند، آنان باید در کوه ها زندگی کنند».^{۳۸}

مثال خوبی از «خودخواهی باشندگان محل» در ازره لوگر به چشم می خورد که در آن بر سر علفچرها بین قبایلی " که قبلاً خانه بدوش بودند و چند سال قبل درینجا مسکن گزین شدند، و این مناطق را با بهترین پوتانسیل زراعتی بین خود تقسیم کردند و اقوام کوچی که تلاش دارند همین اکنون درین مناطق مسکن گزین شوند رقابت وجود دارد که تقاضای عین زمین را دارند:

بیش از ۲۰۰۰ هکتار زمین موجود است و تمام روستاها و اقوام از جمله قوم عیسی خیل، قوم عبدالرحیمزی، قوم افضل خیل و قوم ستانکزی در آن سهم می باشند. تمام این اقوام در این زمین حق دارند. از آنجایی که این زمین علفچر کوچی ها است، لذا علفچر ما نیز می باشد، زیرا قبل از این ما نیز کوچی بودیم و مواشی را به آنجا می آوردیم، اما اکنون از زندگی خانه بدوشی دست کشیده ایم.^{۳۹}

نبرد کلی نظارت پلیس در مناطق روستایی مانند این باعث می شود که حوادث نسبتاً کوچک به سرعت به خشونت کشیده شود. در یک مورد که توسط مصاحبه شونده بازگو شد، کوچی ها در سال ۲۰۰۳ پسر یک صاحب زمین محلی را کشتند که از کاشت گندم توسط آنان در زمین خود شکایت داشت. کوچی ها ادعا می کنند که مالک زمین هستند که آنان در گذشته خریداری کرده اند. بعد از آن، دگروال بر محل بودوباش کوچی ها حمله کرد و هفت تن را کشت. دشمنی خونی که در این راه آغاز شده است هنوز ادامه دارد و تمام تلاش های بزرگان این دو جوامع برای پایان دادن به آن حتی در صورت توافق بزرگان مبنی بر ترک زمین های تصرف شده توسط کوچی ها نتیجه ای در بر نداشته است.^{۴۰} این نزاع زمانی گسترش یافت که روستاییان محلی تنها بر قوم نیازی نه بلکه بدون تمیز حمله بر کوچی ها را آغاز کردند.^{۴۱}

نبرد پولیس، عدالت و در بسیاری موارد حتی ارائه خدمات نشان می دهد که هنوز قسمت های بزرگی از جامعه افغانی در خارج از دسترس دولت قرار دارد. شاید این منطقه ای باشد که منشور جدید شهروندان باید آن را در نظر بگیرد؛ اگر چه در بسیاری از موارد، این مسئله مناطق دور افتاده است که در آن دولت همیشه در تلاش است تا از اقتدار خود به دفاع برخیزد.

۳۹ مصاحبه با بزرگ کوچی مربوط به اجتماع عیسی خیل که مسکن گزین شده است، در قریه پل کندهار، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶.

۴۰ مصاحبه با بزرگ قوم پیری در منطقه شمال دبری ولایت خوست، ۱۰ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ قوم مرک خیل در دبری ولایت خوست، ۷ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ قوم تیرون در دبری ولایت خوست، ۶ اپریل ۲۰۱۷.

۴۱ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم دولنزی در دبری ولایت خوست، ۹ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم نیازی در دبری ولایت خوست، ۸ اپریل ۲۰۱۷.

۳۵ مصاحبه با یک دهقان بزرگ قوم قریه ملنگ، ۲۸ فبروری ۱۷.

۳۶ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم تره خیل در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

۳۷ مصاحبه با دهقان و بزرگ قوم در قریه پای منار ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۴ جنوری ۲۰۱۷.

۳۸ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم تره خیل در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

تمایز اجتماعی میان کوچی ها

شکایتی که بعضی اوقات از کوچی ها شنیده می شود، اینست که آن عده از کوچی هایی که مسکن گزین شده اند، در فعالیت های قومی زیاد شرکت نمی کنند و نه هم در وقت مشکل از قوم خود حمایت می کنند. در حقیقت، اکثر افراد ساکن که قبلاً خانه بدوش بودند، از طریق شرکت در شوراها و جمعآوری مساعادت با حمایت از قوم خود ادامه می دهند. این مسئله در مورد مناقشه زمین و علفچر نیز صدق می کند؛ اقوام با کمک کوچی ها ساکن به طور مثال اسلحه و مهمات و سایر وسایل مورد نیاز برای مقابله با باشندگان محل را خریداری می کنند.^{۴۵} آنچه که در این مرحله روشن نیست این است که آیا انسجام قوم از طریق مکانیزم های همبستگی قومی قدیمی و یا از طریق شبکه های تازه تأسیس شده حمایت می شود یا خیر. این موضوعی است که در پروژه های بعدی پروژه پیگیری خواهد شد.

در مصاحبه ها اغلباً نقش افراد قدرتمند کوچی را می توان در دوردست ها دید. برای مثال، در دیری خوست، کوچی های نیازی و مرک خیل یک زمین علفچر را خریداری و آن را در نزدیکی قریه های پشتون های محل به زمین زراعتی مبدل کردند. کوچی ها ادعا می کنند که روستاییان به کشت محصولات زراعتی آنان در علفچری که خریده اند اعتراض می کنند، در حالی که روستاییان ادعا می کنند که کوچی ها زمین آنان را غصب کرده اند و در آن کشت می کنند و خانه می سازند. معلوم نیست که کوچی ها زمین های مراتع را چگونه می توانند به طور قانونی خریداری کنند، زیرا قرار نیست این زمین ها به فروش برسند چون زمین های عامه اند.^{۴۶}

همانطوری که در تحقیقات پیشین نیز نشان داده شده است، یکی دیگر از یافته های اولیه این پروژه عبارت از حقیقتی است که تمایز اجتماعی در حال افزایش در میان کوچی ها و افزایش افراد قدرتمند کوچی نقش مهمی در پیشبرد منازعه ایفا می کند. بدون شک، از دهه ۱۹۵۰ به این سو پروسه های تشکیل طبقه در میان کوچی ها وجود داشته است، اما این روند بعد از سال ۲۰۰۱ تسریع شده است. گله داران «ثروتمندتر» از جوامع خانه بدوش و ساکن در تلاش اند تا بر علفچرهایی که خودشان از آن بازدید به عمل نمی آورند، مالکیت، دسترسی و کنترل داشته باشند. در عوض، آنان چوپانان را استخدام می کنند و آنان را به این مناطق دور افتاده در بهار و تابستان حتی از طریق لاری ها به علفچرها انتقال می دهند. [...] رهبران کوچی نیز در زمین های زراعتی در دره ها از جمله برای سوداگری و فروش آن به سایر کوچی ها به منظور سود سرمایه گذاری می کنند.^{۴۳} از دهه ۱۹۹۰، رهبران کوچی توانستند زمین های دولتی را به نفع خانواده هایشان و یا متحدان شان غصب نمایند. آن عده از خانواده های کوچی که گله های خود را از دست داده و امید خود را برای مسکن گزین شدن در جایی از دست داده بودند، بیشتر به این رهبران و توانایی آنان به ارائه راه حل به مشکلات شان و حفاظت سیاسی خود وابسته شدند، که این یک امر ضروری است زیرا زمین معمولاً توسط رهبران کوچی به شکل غیرقانونی غصب شده و در صورت نبود چنین حفاظتی به آسانی از دست شان بیرون می شود.^{۴۳}

زمانی که علفچرهای ما در خلیل آباد توسط قوم ستانکزی اشغال شد، جنگ ما در خلیل آباد آغاز گردید. قبل از این، این جنگ ها نمی شد، زیرا ارزش زمین زیاد نبود، اما در حال حاضر که زمین گران شده است، این افراد قدرتمند تمام مناطق را غصب نموده و همچنین به چراگاه های ما حمله کردند. دلیل دیگر آن رشد جمعیت است، به خاطری که بسیاری از مردم از پاکستان برگشتند؛ این [نامش محفوظ است] که عضو پارلمان است و [نامش محفوظ است] به هر کس زمین می دهند و از آنان پول می گیرند.^{۴۴}

۴۵ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم اکبرخیل، ۲۰ مارچ ۲۰۱۷.
۴۶ مصاحبه با بزرگ قوم پیری در منطقه شمال مربوط دیری ولایت خوست، ۱۰ اپریل ۲۰۱۷؛
مصاحبه با بزرگ قوم مرک خیل در دیری ولایت خوست، ۷ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بزرگ قوم تیرون در دیری خوست، ۶ اپریل ۲۰۱۷.

۴۲ لز الدین ویلی، «نزاع بر سر علفچرها: جنگ مخفی در افغانستان»، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée، ۱۳۳: جون ۲۰۱۳.
۴۳ فربیزو فوشینی، «دوره گردی اجتماعی کوچی های افغانستان»، برلین: ای ای ان، ۲۰۱۳.
۴۴ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم نعیم خیل در منطقه خلیل آباد ولایت لوگر، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۶.

حل منازعه

روستاییان دقیقا همین اتهامات را به کوچی ها نسبت می دهند:

نه تنها کوچی ها، بلکه افراد قدرتمند در هر ولایت زمین ها را غصب می کنند. [...] این ها گروه های مافیایی هستند. مثلی که در عقب قوم نیازی [نامش محفوظ است] قرار دارد و او به آنها می گوید که از آنها پشتیبانی می کند.^{۴۸}

اتهام مشارکت افراد قدرتمند و احزاب بسیار فراگیر است که مایه تعجب نیست و از آن در حقیقت به حیث گوشت دم توپ استفاده می شود، به ویژه در زمینه رشد سریع جمعیت و رشد منفی اقتصادی. در عین حال واضح است که اگر نه همیشه، افراد قدرتمند و گروه های سیاسی در شماری از این اختلافات نقش مهمی ایفا می کنند. در تحقیق پیگیری، تیم تحقیقاتی به این خواهد پرداخت که آیا این مسئله در منطقه ای وجود دارد که جلوگیری از منازعه در آن کار خواهد داد یا خیر.

در جایی که منازعه از جنجال محلی میان کوچی ها و باشندگان محل ناشی می شود، دلیل آن عدم رعایت قوانین و مرزهاست و می توان با ساکنان محل در تماس شد و مشکل را حل نمود. در واقع، مصاحبه شوندهگان چندین مورد را شناسایی کردند که در آن از طریق میانجیگری جوامع دیگر، همه به توافق رسیده و درگیری ها به پایان می رسد.

در مواردی که مناقشه خانه بدوش- زارع به دلیل رشد جمعیتی و یا تخریب محیط زیست به میان می آید، پیدا کردن راه حل های محلی بسیار سخت خواهد بود. این مسئله به خوبی نشان می دهد که معمولا دو طرف در این اختلافات یکدیگر را متهم به حفاظت توسط «مافیا» می کنند که در اطراف دولت می چرخند. به طور مثال، در دیری کوچی ها رقبای خود را متهم به داشتن حمایت از سوی مقامات می کردند:

ما در تلاش حل مشکلات دیگر نیز هستیم، اما این خانواده دگروال در خوست وجود دارد. آنها در دولت صاحب قدرت هستند و نمی خواهند مشکلات را حل کنند. [...] این افراد قدرتمند مرتکب جرم می شوند و دولت از آنها حمایت می کند. [...] راه حل این است که این گروه های قدرتمند و مافیا ختم شوند. اگر ما مشکلات را از طریق شورای قومی حل کنیم، این افراد قدرتمند دوباره زمین را غصب خواهند کرد زیرا مقامات دولتی به آنها کمک می کنند.^{۴۷}

۴۸ مصاحبه با زارع و بزرگ از قوم متون وال در دیری ولایت خوست، ۸ اپریل ۲۰۱۷.

۴۷ مصاحبه با بزرگ کوچی از قوم مرک خیل در دیری ولایت خوست، ۷ اپریل ۲۰۱۷.

نتیجه گیری

- درگیری بر سر علفچرها با مسدود نمودن مسیرهای دسترسی به این مراتع به بهای بدتر شدن وضعیت در مناطقی که ممانعت ها در آن رخ می دهد، همچنان ادامه دارد؛

- چندگانگی اداری حل منازعات را مشکل تر ساخته است، اما به بازیگرانی که در رده های بالای دولت از مصونیت سیاسی برخوردار اند اجازه می دهد تا سریعاً از این موقع استفاده کنند.

این پروژه اکنون مسیرش را به سمت تعقیب یافته هایی تغییر خواهد داد که نیاز به تحقیق بیشتر دارند و به ما اجازه خواهد داد تا توصیه های پالیسی را فورمولبندی کنیم: اینها عبارتند از:

- نقش افراد قدرتمند کوچی در مسکن گزینی و منازعه؛
- ماهیت پروسه های تجمع که سبب ظهور افراد قدرتمند می شود و اینکه چگونه می توان آنها را به طور گسترده تر به نفع جمعیت روستایی هدایت کرد؛
- گزینه هایی برای تنظیم تبدیل نمودن بخش هایی از علفچرها به زمین شهری و زراعتی؛
- گزینه هایی برای حل منازعه.

پروژه کنونی یافته های قبلی محققان را عمدتاً تأیید می نماید که به روابط خیمه بدوش- زارع در افغانستان پرداخته اند، و برخی از این یافته ها را تقویت می کند. تیم تحقیقاتی به طور خاص موارد ذیل را به دست آورد:

- تسریع روند مسکن گزین شدن خانه بدوشان؛
- اهمیت روزافزون مسکن گزینی به عنوان منبع منازعه؛
- نقش فزاینده افراد قدرتمند کوچی در هدایت منازعه و مسکن گزینی؛
- به نظر می رسد که ماهیت روابط اجتماعی میان کوچی ها سریعتر تغییر می کند.
- برخی از یافته ها جدید نیستند، اما تأییدهای مهم در مورد روندهایی اند که قبلاً توسط پروژه های تحقیقاتی دیگر مشخص شده اند:
- دولت افغانستان تماشاگر درگیری های جاری بوده است و نقش فعالی در حل و فصل آنها ایفا نمی کند؛
- حل و فصل منازعات عمدتاً از طریق میانجیگری اشخاص ثالث صورت گرفته است که از میان سایر رهبران جامعه انتخاب شده اند؛
- فشار دموگرافیکی به ویژه به علت عودت صدها هزار نفر از پاکستان همچنان بالا است؛

این مطالعه با کمک مالی اتحادیه اروپا صورت گرفته است. محتویات این سند تنها مسئولیت واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) می باشد و تحت هیچ شرایطی نمی تواند انعکاس دهنده نظریات اتحادیه اروپا باشد.

ISBN 978-9936-628-83-0



9 789936 628830

۹۷۸-۹۹۳۶-۶۲۸-۸۳-۰

شماره استاندارد بین المللی کتاب (ISBN)

۱۷۱۴D

کد نشریه

محمد کاظم ملوان

مترجم

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) یک موسسه تحقیقاتی مستقل در کابل است. مأموریت AREU این است که با انجام تحقیقات با کیفیت بالا و مرتبط با پالیسی و انتشار فعالانه نتایج و ترویج فرهنگ تحقیق و آموزش، پالیسی و عمل را تحت تأثیر قرار دهد. AREU برای رسیدن به مأموریت خود با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و شاگردان در ارتباط قرار دارد تا استفاده از تحقیقات AREU و کتابخانه آن را به منظور تقویت ظرفیت تحقیقاتی شان و ایجاد فرصت هایی برای تحلیل، بازتاب و بحث بالا ببرد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری سازمان های امدادی در افغانستان تأسیس گردید و دارای هیأت مدیره متشکل از نمایندگان سازمان های تمویل کننده مانند سازمان ملل متحد و مؤسسات چند بعدی و سازمان های غیر دولتی است.

پروژه های مشخص در سال ۲۰۱۷ توسط اتحادیه اروپا (EU)، موسسه صلح ایالات متحده (USIP)، وزارت همکاری اقتصادی و انکشافی آلمان فدرال (GIZ)، Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (BMZ)، و ایالات متحده تمویل می گردند.